

ارزیابی عملکرد بیمه محصولات کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه کارشناسان صندوق بیمه کشاورزی در استان همدان

سمیرا سجادی*، دکتر امیر مظفر امینی**، دکتر علی یوسفی**

چکیده

بیمه محصولات کشاورزی، از جمله راهکارهای نوین برای رویارویی با خطرهای موجود در فعالیتهای کشاورزی و کاهش نوسانهای درآمدی کشاورزان است. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی عملکرد بیمه و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه کارشناسان صندوق بیمه استان همدان است. جامعه آماری پژوهش، دربردارنده ۳۷ نفر از کارشناسان صندوق بیمه کشاورزی استان همدان بوده است. روایی محتوایی پرسشنامه با نظرسنجی انجام گرفته از سوی گروهی از صاحبانظران فراهم آمد و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۸۹ محاسبه شد. نتایج به دست آمده از میدان پژوهش نشان می‌دهد، متغیرهای «سطح آگاهی کشاورزان»، «خطرهای طبیعی»، «نقش منابع انسانی- رسانه‌ای» و «سطح زیرکشت محصولات»، از نظر جامعه آماری پژوهش، اثر تعیین کننده‌ای در ایجاد گرایش در کشاورزان برای بیمه کردن محصولات کشاورزی‌شان دارند. همچنین «متغیر تبلیغات آموزشی مناسب برای آگاهسازی کشاورزان»، بیشترین اثر را در معادله رگرسیونی بر متغیر وابسته پژوهش بر جای گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: بیمه محصولات کشاورزی، ارزیابی عملکرد، صندوق بیمه کشاورزی، استان همدان.

بیمه و
کشاورزی

سال نهم
شماره ۳۳ و ۳۴
۱۳۹۱

مقدمه

بخش کشاورزی، نقش مهمی سدر اقتصاد بسیاری از کشورهای در راه توسعه، بازی می‌کند. فعالیت در این بخش در مقایسه با دیگر بخشهای اقتصادی، به علت شرایط ویژه چیره بر آن، همواره با ریسک و نبود قطعیت همراه است (۱). تولید محصولات کشاورزی به خودی خود، حرفه‌ای ریسک‌پذیر است و یک کشاورز با انواع گوناگون خطرهای آب‌وهوایی، آفت، بیماری، تهیه مواد اولیه و بازار روبه‌روست. با فرض درآمد سالانه نامعین در هر سال، کشاورزان باید نگران توانایی خود در زمینه بازپرداخت بدهی، برای فراهم ساختن هزینه‌های سربار عمومی (مانند اجاره زمین و مالیاتها) و در بسیاری از موارد، دلواپس توانایی برای فراهم کردن هزینه‌های ضروری زندگی برای خانوار خود باشند (۲۰). این بخش و فعالیتهای مرتبط با آن دارای ویژگیهایی است که آن را به شدت در برابر آسیبهای گوناگون و پیشبینی‌ناپذیر و در نتیجه، خسارتها و دشواریهای بسیاری قرار داده است. یکی از این ویژگیها که برخاسته از ماهیت عوامل اصلی تولید است، قرار گرفتن فعالیتهای کشاورزی در برابر عوامل و شرایط طبیعی است. به همین علت، آسیبها و خسارتهای وارد شده بر محصولات کشاورزی بر اثر حوادثی همچون خشکسالی، سیل، تگرگ، بارانهای تند و مانند آن، بسیار زیاد و گاهی محاسبه‌ناپذیر است. به این مخاطره‌های مهارناپذیر طبیعی، حوادث غیرطبیعی همچون آتشفشانی، سرقت و مانند آن را نیز باید افزود. امکان همیشگی پدید آمدن این‌گونه حوادث، شرایط مخاطره‌آمیزی را به بخش کشاورزی کشور تحمیل کرده است که نتیجه آن، ترس، اضطراب و احساس ناامنی شدید است و همین امر قابلیت جلب و جاذبه‌های سرمایه‌گذاری را در این بخش به حداقل می‌رساند. با توجه به تأثیر مخاطره‌های تولیدات کشاورزی بر اقتصاد جامعه روستایی و اهمیت ویژه بخش کشاورزی در اقتصاد، دولتها نیز در راستای جبران خسارتهای برخاسته از خطرها، اقدامهای گوناگونی انجام می‌دهند. بیمه محصولات کشاورزی را می‌توان یکی از اصولی‌ترین و مؤثرترین ابزارهایی برشمرد که می‌تواند کشاورزان را در برابر سوانح طبیعی، به بهترین شیوه حمایت کند (۴). امروزه بیمه، یکی از موضوعهای اصلی در برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است، زیرا پیشرفت بیمه با پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور ارتباط مستقیم دارد و در برابر آن، بهبود وضع اقتصادی و گسترش سرمایه‌گذاری، موجب پیشرفت صنعت می‌شود؛ در نتیجه، پیشرفت بیمه نیز، به بهبود درآمد و رونق اقتصادی تولیدکنندگان بخشهای مختلف می‌انجامد. بیمه از راه تأثیرهای گوناگون خود می‌تواند، باعث پیشرفت مطلوب بخش روستایی، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان و نیز توسعه هماهنگ همه بخشها شود. دستیابی نظام بیمه محصولات کشاورزی به این امر مهم، از راه توزیع ریسک و خطرهای احتمالی و حذف پاره‌ای از این نبود اطمینانها در صورتی فراهم می‌شود که از یکسو، عرضه و تقاضای بیمه متناسب باشد و از سوی دیگر، برنامه‌های بیمه نیز از کارایی بالایی برخوردار بوده و از نظر مالی، وابسته به خود باشد (۱۰).

بیمه محصولات کشاورزی از آغاز سده بیستم مورد توجه قرار گرفت. آمریکا، نخستین کشور غربی است که در سال ۱۹۰۹ به طرحهای مختلف بیمه کشاورزی برای

فصلنامه
پژوهشی

کاهش ریسک در این بخش روی آورد. کانادا نیز، در شمار پیشگامان صنعت بیمه محصولات کشاورزی است. در چند دهه اخیر نیز، گزارشها، رشد بیمه کشاورزی را در جوامع اروپایی نشان می‌دهد. در آسیا، ژاپن در سال ۱۹۲۹، بیمه دام و در سال ۱۹۳۹ بیمه دیگر محصولات کشاورزی را به تصویب رساند (۱۴). نگاهی به تاریخچه بیمه محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که با توجه به انواع خطرهای بخش کشاورزی و از سویی، اهمیت امنیت غذایی، ضرورت بیمه در قلمروهای مختلف کشاورزی در بیشتر کشورهای جهان احساس شده، متناسب با سیاستها و نیازها، این ابزار حمایتی از سوی دولتها و بخش خصوصی به گونه‌های مختلف به اجرا درآمده است (۱۴).

در ایران نیز، فعالیت بیمه محصولات کشاورزی در سال ۱۳۶۳، با دو محصول پنبه و چغندرقتد در استانهای مازندران و خراسان از سوی صندوق بیمه محصولات کشاورزی آغاز شد و به تدریج به محصولات دیگری از جمله سویا و برنج، تعمیم پیدا کرد. این روند با هدف حمایت دولت از توان تولید، رویارویی با ریسک و بلاهای طبیعی و فراهم آوردن بستر برای سرمایه‌گذارهای جدید در بخش کشاورزی، ادامه یافت؛ به گونه‌ای که پس از گذشت ۲۱ سال و طی چهار برنامه توسعه کشور، ۸۰ محصول و فعالیت کشاورزی در زیربخش‌های زراعت، باغداری، دامداری و منابع طبیعی زیر پوشش بیمه قرار گرفته است (۱۴). مفهوم بیمه در بخش کشاورزی، عبارت است از: تضمین جبران بخشی از خسارتهای داده‌ها و ستانده‌ها و عوامل بالفعل لازم برای عملیات اقتصادی، در فاصله پیش از تولید تا مصرف محصولات، و در برابر خطرهای تهدیدکننده پیشگیری‌ناپذیر، به شرط آنکه پیشبینی احتمال وقوع خطرها، امکانپذیر باشد. نقش بیمه، تعدیل فشار زیانهای برخاسته از خطرهاست، به گونه‌ای که خسارتهای بالفعل به یک فرد یا یک گروه، به یک مزرعه یا مزرعه‌های یک منطقه، در زمان خاص وقوع آن، تمرکز نمی‌یابد، بلکه زیان اقتصادی و اجتماعی خسارتهای در سطح گسترده‌ای توزیع می‌شود. پذیرش تدریجی بار مالی ناچیز هزینه‌های بیمه از سوی بسیاری از افراد جامعه، به صورت پرداخت حق بیمه، باعث جلوگیری از فلج ناگهانی اقتصادی گروه کوچکی از آنها خواهد شد. در نتیجه، بیمه در بخش کشاورزی، تضمینی برای جلوگیری از رکود یا توقف جریان تولیدی به شمار می‌رود و سازوکاری دارد که به صورت ابزاری، در هدفهای بخش کشاورزی تأثیرگذار است (۵). برای فراهم‌سازی نیازهای بخش کشاورزی و بویژه توسعه اقتصادی و تثبیت درآمد کشاورز، وجود بیمه محصولات کشاورزی ضروری است. بیمه‌نبودن محصولات کشاورزی و پایین بودن سطح امنیت مالی، در فرایند تصمیمگیری کشاورزان تأثیر می‌گذارد و باعث انجامد که تصمیمهای آنها از دیدگاه اقتصادی بر اساس تابعهای تولید نباشد و در نتیجه چنین واقعیتی، همیشه منابع برای تولید بهینه تخصیص نمی‌یابد و در سطح کلان، به هدر رفتن آنها می‌انجامد. بیمه، موقعیت اعتباری کشاورزان را بهبود می‌دهد و زمینه دسترسی آنها را به اعتبارات بانکی فراهم می‌آورد. بنابراین، بیمه، افزون بر پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی خاصی را نیز در بر دارد. وجود بیمه، امنیت روانی را در جوامع روستایی بالا می‌برد و بهداشت روانی این جوامع را بهبود می‌بخشد (۲).

امروزه با توجه به اهمیت تولید غذا در تغذیه جمعیت روبه‌رشد جهانی، سرمایه‌گذاری در

بخش کشاورزی، جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ در نتیجه، واحدهای تولید محصولات کشاورزی تخصصی‌تر عمل می‌کنند و محصولات کشاورزی همچون کالایی تجاری به شمار می‌آید. به‌همین منظور، صنعت بیمه محصولات کشاورزی، به‌گونه فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده است و همچون ابزاری حمایتی از منابع مالی سرمایه‌گذاران بخش کشاورزی، به هنگام حوادث قهری و بلاهای طبیعی به شمار می‌رود (۱۱).

در مجموع، اثرهای اجتماعی و اقتصادی بیمه محصولات کشاورزی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ایجاد امنیت تولید و سرمایه‌گذاری.
- بالا بردن توان برنامه‌ریزی کشاورزی و به کار بستن مدیریت ریسک.
- بهبود موقعیت اعتباری کشاورزان.
- ایجاد ثبات در درآمدهای بخش کشاورزی و در نتیجه، ثبات عمومی در کل اقتصاد کشور (۲).

پیشینه پژوهش

ترکمانی و قربانی (۱۳۷۸)، در پژوهش خود، ریسک‌گریزی، کشش یارانه پرداختی از سوی دولت، نوع کشاورزی، آگاهی از طرح بیمه و مزیت‌های آن، کشش مربوط به متغیر نسبت غرامت دریافتی به حق بیمه، متغیر مجازی مالکیت و تحصیلات را بر تقاضا برای بیمه محصولات کشاورزی دارای اثر مثبت دانسته‌اند (۵).

ایروانی و همکاران (۱۳۸۱)، بر این باورند که همبستگی معنیداری میان متغیر درآمد با پذیرش بیمه وجود دارد. به سخن دیگر، کشاورزانی که از درآمد سالانه بیشتری برخوردار باشند، بیش از دیگر کشاورزان برای پذیرش بیمه اقدام می‌کنند. آنها همچنین بین آگاهی از طرح بیمه با پذیرش بیمه از سوی کشاورزان، رابطه مثبت و معنیداری یافته‌اند (۳).

به باور محمدی و همکاران (۱۳۸۱)، متغیرهای درآمد از کشت محصول، سن، آگاهی کشاورز، سطح زیر کشت، اعتبارات دولتی، تعداد قطعات زمین و نوع مالکیت، از جمله عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه محصولات کشاورزی است (۱۳).

رستمی و همکاران (۱۳۸۶)، در پژوهش خود، سطح تحصیلات، مساحت زمینهای زیر کشت گندم، تنوع تولید، درجه ریسک‌گریزی و نوع مالکیت را پنج عامل مهم و تأثیرگذار بر پذیرش بیمه از سوی کشاورزان برشمرده‌اند (۸).

ملایی و زمانی‌پور (۱۳۸۷) بر این باورند که هرچه سابقه کار کشاورزی بیشتر باشد، به‌همان نسبت نیز، آگاهی کشاورزان از خطرها و خسارتهای وارد شده، فزونی می‌یابد و از همین رو برای گریز از آن موارد، به‌بیمه روی می‌آورند (۱۲).

خلیل‌نژاد و زمانی‌پور (۱۳۸۸)، در پژوهشی، رابطه مثبت و معنیداری را میان متغیرهای عملکرد در هکتار، نوع زمین زراعی، متغیرهای اقتصادی، استفاده از تسهیلات حمایتی و متغیرهای اجتماعی یافتند و همچنین نشان دادند که رابطه‌ای منفی و معنیدار بین سن کشاورزان و نگرش آنها به بیمه محصولات کشاورزی وجود دارد (۶).

شاهنوشی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود، به این نتیجه رسیدند که متغیر میزان استفاده از اطلاعات مروج و کارشناسان کشاورزی، با پذیرش بیمه، دارای رابطه مثبت و معنیداری است (۹).

میوسن^۱ و همکاران (۲۰۰۱)، در پژوهش خود نشان دادند که نوع مالکیت زمین از متغیرهای اقتصادی تأثیرگذار بر پذیرفتن یا نپذیرفتن بیمه محصولات کشاورزی است (۲۳). گودوین^۲ (۱۹۹۳) نیز در پژوهشی، به این نتیجه رسید که اندازه زمین زراعی تأثیر مهمی بر پذیرش و تقاضای بیمه دارد؛ به گونه‌ای که کشاورزان دارای زمین زراعی بزرگتر، گرایش بیشتری به خرید بیمه از خود نشان می‌دهند (۱۸).

ویلیامز و همکاران^۳ (۱۹۹۳)، بر این باورند که با تغییر میزان حق بیمه، می‌توان بهره‌برداران دارای درجه ریسک‌گریزی متفاوت را به پذیرش بیمه محصولات کشاورزی گرایش داد (۲۵).

اسمیت و بوکیت^۴ (۱۹۹۶)، در بررسی تقاضای بیمه کشاورزی از سوی گندمکاران ایالت مونتانا در امریکا به این نتیجه رسیدند که متغیرهایی همچون میزان تحصیلات کشاورزان، سابقه رویارویی با خطر، میزان بدهی به مؤسسه‌های اعتباری و بانکها، نوسانهای میزان محصول تولیدی و نرخ حق بیمه، همگی در مشارکت کشاورزان در طرح بیمه گندم مؤثر است (۲۴).

از دیدگاه میشر^۵ (۱۹۹۹)، مهمترین عوامل توسعه نظام بیمه کشاورزی و متغیرهای مؤثر بر پذیرش و گسترش نظام بیمه کشاورزی در ایالت گجرات هندوستان، افزایش سطح پوشش بیمه‌های کشاورزی، شناسایی کشاورزان هدف، تأمین اعتبارات لازم برای جبران خسارت و برقراری ارتباطات مناسب با کشاورزان است (۲۲).

گودوین و همکاران^۶ (۲۰۰۴)، در پژوهش خود، نشان دادند که افزایش مشارکت در برنامه‌های بیمه محصولات، بی‌گمان با افزایش اندازه زمینها در مزرعه‌های گندم و تا حد کمتری با اندازه زمین در تولید غلات، ارتباط دارد (۱۷). میشر^۷ (۲۰۰۵) در پژوهش دیگری، در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر گرایش بهره‌برداران در بیمه کردن محصولاتشان به این نتیجه رسیده است که سن کشاورز، مشارکت در قراردادهای بازاریابی، متنوع‌سازی مزرعه‌ها، ضریب بهره‌وری حاصلخیزی خاک و ضریب ارزش تولید، از جمله عوامل مؤثری است که از دیدگاه آماری، بر پذیرش و گرایش کشاورزان برای خرید بیمه معنیدار است (۲۱).

گاریدو و زیلبرمن^۷ (۲۰۰۸)، افزایش یارانه پرداختی به حق بیمه را موجب افزایش تقاضای بیمه از سوی کشاورزان می‌دانند (۱۶).

1. Meuwissen&et al
2. Goodwin
3. Williams&et al
4. Smith&Boqute
5. Mishra
6. Goodwin&et al
7. Garrid & Zilberman

گایندر و همکاران^۱ (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که رابطه مثبت و معنی‌داری میان سطح زیر کشت محصولات و پذیرش بیمه محصولات کشاورزی وجود دارد (۱).

هدفهای پژوهش

ارزیابی عملکرد بیمه محصولات کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه کارشناسان صندوق بیمه کشاورزی در استان همدان، هدف اصلی مطالعه حاضر است. هدفهای اختصاصی پژوهش نیز، پیرامون تأثیر متغیرهای گوناگون بر گرایش کشاورزان برای بیمه‌کردن محصولاتشان و ارزیابی عوامل مؤثر بر عملکرد بیمه در بخش کشاورزی است که در چارچوب پرسشهای زیر مطرح شده است:

- ۱) آیا با افزایش آگاهی کشاورزان از سودمندیهای بیمه، گرایش آنها به بیمه‌کردن محصولاتشان فزونی می‌گیرد؟
- ۲) آیا منابع انسانی- رسانه‌ای، اثر معنیداری در زمینه ایجاد گرایش در کشاورزان برای بیمه کردن محصولاتشان دارد؟
- ۳) آیا باور بهره‌برداران به وجود خطرهای طبیعی، سبب گرایش بیشتر آنها به بیمه کردن محصولاتشان می‌شود؟
- ۴) آیا گرایش به بیمه‌کردن محصولات کشاورزی، با سطح زیر کشت آنها رابطه‌ای معنیدار دارد؟
- ۵) آیا افزایش تعداد قراردادهای بیمه محصولات کشاورزی، می‌تواند دلیلی بر عملکرد موفق بیمه باشد؟



روش و ابزار پژوهش

این پژوهش، از دیدگاه نوع هدف، کاربردی و بر حسب چگونگی گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی و به روش پیمایشی است. ۳۷ نفر کارشناس که دربردارنده همه کارشناسان صندوق بیمه کشاورزی در استان همدان است، جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهد و به دلیل محدود بودن، تمام‌شماری شدند. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از این جامعه، پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته به کار رفت. ضریب آلفای کرونباخ، به منظور تشخیص پایایی پرسشنامه، محاسبه شد که برابر ۰/۷۸۹ بود. روایی محتوایی پرسشنامه نیز، پس از نظرخواهی از کارشناسان تأیید شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز، جدولهای توافق، آزمون کای دو، ضریبهای همبستگی پیرسون و اسپیرمن، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر به کار رفت. همچنین در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تحلیل عاملی و شاخص‌سازی بهره گرفته شده است. در مورد چگونگی شاخص‌سازی در این پژوهش نیز، می‌توان گفت، در شیوه ساخت هر شاخص و وزن سنج‌های مربوط به هر یک و نیز

1. Ginder & et al

روایی متغیرهای تشکیل دهنده شاخصها، روش تحلیل عاملی به کار رفته است؛ بدین گونه که متغیرهای مورد بررسی از روش تحلیل عاملی وارد معادله شد و عاملهای تشکیل دهنده شاخص، نمایان گردید. در هر عامل متغیرهای مورد بررسی، در وزنشان، ضرب و بر جمع آنها تقسیم شد تا برای هر عامل عددی نمایش دهنده به دست آید. پس از آن عاملهای به دست آمده در واریانسشان، ضرب و بر واریانس جمعی تقسیم شد. برای نمونه، شاخص آگاهی را می توان نام برد که دربرگیرنده متغیرهای آگاهی از هدفها و مزیتهای بیمه، نگرش فراگیر در جامعه و رضایت دیگر کشاورزان از عملکرد بیمه است. پس از انجام مراحل تحلیل عاملی، میزان $\text{Alpha} = 0/865$ و $\text{Kmo} = 0/709$ به دست آمد و شاخص آگاهی با توجه به سه متغیر تشکیل دهنده آن ساخته شد. این مراحل به همین گونه برای دیگر شاخصهای پژوهش نیز، انجام پذیرفته است. پس از ساخت هر شاخص، اثر هر یک از آنها و اثر هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده آنها بر گرایش کشاورزان به سوی بیمه محصولات کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج و بحث

داده های پژوهش، نمایانگر این است که هر یک از معرفهای شکل دهنده شاخص آگاهی کشاورزان از سودمندیها یا منافع بیمه، خود نیز بر گرایش کشاورزان به بیمه کردن محصولاتشان اثرگذار است. جدول شماره ۱، اثر هر یک از این متغیرهای تشکیل دهنده شاخصهای پژوهش را بر گرایش بهره برداران به بیمه، نشان می دهد.

چنانکه داده های جدول شماره ۱ نشان می دهد، در میان معرفهای تشکیل دهنده شاخص آگاهی، آگاهی بهره برداران از هدفها و مزیتهای بیمه، بیشترین تأثیر را بر ایجاد گرایش در کشاورزان به بیمه کردن محصولاتشان دارد. پس از آن، رضایت دیگر کشاورزان از عملکرد بیمه و نگرش فراگیر در جامعه، به ترتیب بر متغیر وابسته، مؤثر است.

شاخص خطرهای طبیعی نیز، خود از دو معرف دائمی بودن خطرها و گسترده بودن خطرهای تشکیل شده است. این جدول، اثر مثبت هر یک از این دو متغیر را بر گرایش کشاورزان به بیمه کردن محصولاتشان در سطح ۹۵ درصد اطمینان نشان می دهد. دیگر متغیر مورد آزمون، سطح زیر کشت محصولات بهره برداران بود که برای تولیدکنندگان شش دو محصول سیب زمینی، کلزا و چهار محصول گندم و جوی آبی و دیم این گمانه پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. داده های جدول شماره ۱، نمایانگر اثر هر یک از این معرفها بر گرایش کشاورزان به بیمه کردن محصولاتشان است. در مجموع مشاهده می شود که به ترتیب، سطح زیر کشت گندم آبی و جو آبی، بیشترین تأثیر را بر ایجاد گرایش در کشاورزان به بیمه کردن محصولاتشان دارد. این در حالی است که سطح زیر کشت سیب زمینی و گندم دیم، تأثیری بر ایجاد گرایش در کشاورزان به بیمه کردن محصولاتشان ندارد.

جدول شماره ۱: اثر هر یک از شاخصهای پژوهش و متغیرهای تشکیل دهنده ایجاد گرایش در کشاورزان به بیمه

شاخص	متغیر	اسپیر من	sig	پیرسون	sig
آگاهی	آگاهی از هدفهای بیمه	۰/۴۰۶*	۰/۰۱۳	**۰/۴۳۴	۰/۰۰۷
	نگرش فراگیر در جامعه	۰/۳۸۸*	۰/۰۱۸	۰/۴۰۴*	۰/۰۱۳
	رضایت دیگر کشاورزان از عملکرد بیمه	۰/۳۱۵*	۰/۰۵۷	۰/۳۶۱*	۰/۰۲۸
خطرهای طبیعی	دائمی بودن خطرها	۰/۶۲۵*	۰/۰۰۰	۰/۵۸۷*	۰/۰۰۰
	گسترده بودن خطرها	۰/۴۱۴*	۰/۰۱۱	۰/۴۱۱*	۰/۰۱۲
سطح زیر کشت	محصول سیبزمینی*	۰/۱۴۸	۰/۳۸۲	۰/۲۴۷	۰/۱۴۱
	محصول گندم آبی	۰/۶۸۸**	۰/۰۰۰	۰/۶۷۲**	۰/۰۰۰
	محصول گندم دیم	۰/۲۶۶	۰/۱۱۱	۰/۲۴۱	۰/۱۵۱
	محصول جو آبی	۰/۵۷۳**	۰/۰۰۰	۰/۵۳۵**	۰/۰۰۱
	محصول جو دیم	۰/۴۴۳**	۰/۰۰۶	۰/۴۱۸**	۰/۰۱۰
	محصول کلزا*	۰/۵۲۰**	۰/۰۰۱	۰/۴۹۱**	۰/۰۰۲
تعداد قراردادهای بیمه	محصول سیبزمینی*	۰/۲۳۹	۰/۱۵۵	۰/۲۴۱	۰/۱۵۱
	محصول گندم آبی	۰/۴۳۵**	۰/۰۰۷	۰/۴۱۰*	۰/۰۱۲
	محصول گندم دیم	۰/۲۹۹	۰/۰۷۳	۰/۲۷۳	۰/۱۰۳
	محصول جو آبی	۰/۳۸۶*	۰/۰۱۸	۰/۳۷۷*	۰/۰۲۲
	محصول جو دیم	۰/۴۱۶*	۰/۰۱۰	۰/۳۹۷*	۰/۰۱۵
منابع انسانی - رسانه‌ای	محصول کلزا*	۰/۲۶۳	۰/۱۱۵	۰/۲۴۸	۰/۱۳۸
	اعضای خانواده و هم‌محل‌ها	۰/۴۵۷**	۰/۰۰۴	۰/۴۵۲**	۰/۰۰۵
	مروجان و مراکز ترویجی	۰/۳۷۱*	۰/۰۲۴	۰/۳۴۶*	۰/۰۳۶
	رسانه‌گروهی	۰/۴۱۱*	۰/۰۱۲	۰/۳۲۷*	۰/۰۴۸
	کشاورزی که پیشتر محصولش را بیمه کرده	۰/۲۶۶	۰/۱۱۲	۰/۳۴۵*	۰/۰۳۶
	کارگزاران بیمه	۰/۱۷۷	۰/۲۹۵	۰/۱۴۲	۰/۴۰۳

* در سطح ۰/۰۵ درصد معنیداری، ** در سطح ۰/۰۱ درصد معنیداری، * کشت این محصولات فقط به صورت آبی است. برگرفته از: یافته‌های پژوهش

تعداد قراردادهای بیمه، دیگر متغیری بود که برای شش محصول مورد نظر پژوهش، مورد ارزیابی قرار گرفت. داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، در میان معرف‌های تشکیل‌دهنده این شاخص، به ترتیب، تعداد قراردادهای بیمه برای گندم آبی و جو آبی از نظر جامعه آماری پژوهش، بیشترین تأثیر را بر عملکرد بیمه داشته است. در مقابل، برای تعداد قراردادهای بسته شده برای دو محصول سیب‌زمینی و گندم دیم، جامعه آماری پژوهش، هیچ تأثیری در نظر نگرفته است.

دیگر متغیر مورد آزمون، متغیر منابع انسانی - رسانه‌ای بود که خود از ۵ معرف تشکیل شده است. در میان معرف‌های تشکیل‌دهنده این شاخص، به ترتیب: منابع انسانی - رسانه‌ای، اعضای خانواده و هم‌محل‌ها، بیشترین تأثیر را بر ایجاد گرایش در کشاورزان به بیمه کردن



محصولاتشان به جای می‌گذارند. نکته در خور توجه در این میان، نقش بی‌اثر کارگزاران بیمه در این فرایند است.

داده‌های جدول شماره ۲ که نتایج برگرفته از بررسی رابطه عوامل مؤثر بر گرایش کشاورزان به بیمه کردن محصولات کشاورزیشان را نشان می‌دهد، نمایانگر این است که سه شاخص سطح آگاهی کشاورزان، باور به وجود خطرهای طبیعی و تعداد قراردادهای بیمه، در سطح ۹۵ درصد اطمینان، رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار با گرایش بهره‌برداران به بیمه کردن محصولاتشان دارند. به دیگر سخن، با افزایش آگاهی بهره‌برداران از منافع و سودمندیهای بیمه و فزونی باور آنها به وجود خطرهای طبیعی، انگیزه آنها برای بیمه کردن محصولاتشان افزایش می‌یابد. این نتایج همچنین نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار میان دو متغیر منابع انسانی- رسانه‌ای مرتبط با بیمه و سطح زیر کشت محصولات و اثر آنها بر ایجاد گرایش در بهره‌برداران برای بیمه کردن محصولاتشان در سطح ۹۹ درصد اطمینان است. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که هر چه بر باور این منابع به بیمه کردن محصولات کشاورزی افزوده شود، می‌توان انتظار داشت که جامعه بهره‌بردار کشاورز ما نیز گرایش و کثرت بیشتری برای بیمه کردن محصولاتشان نشان خواهد داد. بدیهی است، جامعه آماری پژوهش، افزایش یافتن تعداد قراردادهای بیمه را نیز نشانه‌ای از گرایش و کثرت کشاورزان برای بیمه کردن محصولاتشان بر شمرده‌اند و آن را دلیلی بر فزونی گرایش بهره‌برداران به بیمه کردن محصولاتشان دانسته و بدین‌سان، مهر تأییدی بر مثبت بودن عملکرد بیمه گذاشته‌اند.

جدول شماره ۲: بررسی رابطه میان عوامل مؤثر بر گرایش کشاورزان و اثر هر یک در گرایش دادن بهره‌بردار به سوی بیمه

sig	کای دو	اسپیرمن	پیرسون	
۰/۰۶۴	۲۲/۹۰۶	۰/۴۳۶**	۰/۴۶۹**	آگاهی کشاورزان از منافع بیمه
۰/۰۷۴	۲۴/۷۹۲	۰/۵۴۱**	۰/۵۳۵**	خطرهای طبیعی
۰/۰۰۲	۳۶/۶۱۸	۰/۶۲۹**	۰/۶۵۱**	منابع انسانی - رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۴۷/۴۰۸	۰/۶۷۶**	۰/۶۶۱**	سطح زیر کشت
۰/۰۳۳	۲۷/۸۷۲	۰/۴۵۸**	۰/۵۱۷**	تعداد قرارداد بیمه

*معنی‌داری در سطح ۰/۰۱
برگرفته از: یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده از رابطه مثبت و معنی‌دار میان میزان آگاهی کشاورزان و گرایش آنها به سوی بیمه محصولات کشاورزی با نتایج پژوهش ایروانی و همکارانش (۱۳۸۵)، ترکمانی و قربانی (۱۳۷۸) و محمدی و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی (مطابقت) دارد. همچنین نتایج برگرفته از رابطه مثبت و معنی‌دار میان منابع انسانی- رسانه‌ای مرتبط با بیمه و اثر آن بر ایجاد گرایش در کشاورزان، مطابق با نتایج برآمده از پژوهش ملایی و زمانی‌پور (۱۳۸۷)، ایروانی و همکاران (۱۳۸۵) و شاهنوشی و همکاران (۱۳۸۹) است. همچنین نتایج به دست آمده از رابطه مثبت و معنی‌دار میان سطح زیر کشت محصولات و اثر آن بر ایجاد گرایش در کشاورزان با

نتایج برگرفته از پژوهش ملایی و زمانی‌پور (۱۳۸۷)، رستمی و همکاران (۱۳۸۶)، گودوین (۱۹۹۳) و گایندر و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد. در مقایسه نتایج مربوط به متغیر تعداد قراردادهای بیمه و عملکرد موفق بیمه، مطالعات نگارندگان نشان می‌دهد، متغیر اخیر در هیچ طرح پژوهشی به این شکل مورد آزمون قرار نگرفته است. دلیل آنرا نیز، شاید بتوان در ماهیت جامعه آماری پژوهش جستجو کرد. که کارشناسان بیمه هستند و این متغیر، از نظر آنها ارزیابی پذیر است و نه از دید بهره‌برداران، همچنین در مورد متغیر، خطرهای طبیعی می‌توان چنین گفت که در اغلب مطالعات، خود مخاطره‌های طبیعی همچون سیل، سرما، خشکسالی و مانند آن و یا ماهیت آنها به‌عنوان متغیرهای پژوهشها مورد بررسی قرار گرفته است و کمتر مطالعه‌ای، دائمی بودن و یا گسترده بودن آنها را ارزیابی کرده است.

نتایج تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر عملکرد بیمه

نتایج نگاشته شده در جدول شماره ۳، اثر متغیرهای مستقلی را که بر متغیر عملکرد تأثیر مستقیم دارند، نشان می‌دهد. در مجموع این متغیرها، ۷۴/۹ درصد از تغییرات متغیر عملکرد را تبیین می‌کنند که این نتیجه، در گستره مطالعات اجتماعی، دستاوردی در خور توجه و ژرفنگری است، زیرا در تحقیقات علوم اجتماعی، مقدار آماره R^2 به دلیل گستردگی عوامل تأثیرگذار بر سیستم، پایین است و به دشواری می‌توان همه عوامل را در یک تحقیق، شناسایی کرد (۷). چنانکه مشاهده می‌شود، آماره فیشر نیز در سطح ۹۹ درصد معنیداری، گواه این رابطه است.

جدول شماره ۳: رگرسیون چند متغیره برای شناخت عوامل مؤثر بر عملکرد بیمه

متغیر وابسته	متغیر مستقل	B	S.E.B	Beta	t	Sig
عملکرد	ضریب ثابت	-۲/۸۳۴	۱/۲۸۸		-۲/۲	۰/۰۳۵
	بازدید از فعالیتهای بیمه	۰/۶۸۳	۰/۱۶۴	۰/۵۵۴	۴/۱۶۷	۰/۰۰۰
	تبلیغات آموزشی مناسب	۱/۵۵۸	۰/۲۸۳	۰/۷۲۲	۵/۴۹۸	۰/۰۰۰
	روشهای علمی ارزیابی خسارت	-۰/۴۷۵	۰/۲۳۹	-۰/۳۳۶	-۱/۹۸۶	۰/۰۵۶
	انجام بهینه وظایف از سوی واحدها	۰/۶۲۷	۰/۲۴۰	۰/۴۰۳	۲/۶۰۸	۰/۰۱۴
	مناسب بودن اندازه نیروی انسانی	-۰/۶۴۳	۰/۲۶۵	-۰/۳۵۶	-۲/۴۲۲	۰/۰۲۱
			$R^2 = ۰/۷۴۹$	df = ۵		$F = ۷/۹۴۶$

برگرفته از: یافته‌های پژوهش



چنانکه داده‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، متغیر بازدید از فعالیتهای صندوق بیمه، به‌عنوان عاملی اثرگذار بر عملکرد بیمه، خود تأثیر گرفته از ۵ متغیر مروجان و مراکز ترویجی، روش علمی ارزیابی خسارت، ارزشیابی و نظارت مستقیم بر فعالیتهای صندوق، وجود نوسان بالا در قیمت محصولات کشاورزی و روند افزایشی در هزینه‌های اجرایی بیمه است. این متغیرها در مجموع، تبیین‌کننده ۷۹ درصد از تغییرات متغیر بازدید از فعالیتهای صندوق بیمه است. دیگر متغیر اثرگذار بر عملکرد بیمه از نظر جامعه آماری پژوهش، تبلیغات آموزشی مناسب برای آگاهسازی کشاورزان است که خود از ۵ متغیر بالا بودن تخصص کارشناسان بیمه در زمینه انجام وظایف خود، یگانه نبودن سیاستهای حمایتی از محصولات آسیب‌دیده، وجود نوسان بالا در قیمت محصولات، تعرفه‌های نامناسب بیمه و وابستگی صندوق بیمه به منابع مالی دولت، تأثیر می‌پذیرد. این متغیرها نیز در مجموع، ۷۱/۲ درصد از تغییرات متغیر تبلیغات آموزشی مناسب برای آگاهسازی کشاورزان را بیان می‌کند. متغیر روشهای علمی ارزیابی خسارت که بر عملکرد بیمه تأثیر منفی دارد، خود تأثیر گرفته از ۳ متغیر انجام بهینه وظایف از سوی افراد شاغل در واحدهای اداری بیمه، مناسب بودن اندازه نیروی انسانی، تمرکز نداشتن ساختار صندوق بیمه در استان همدان در مقایسه با دیگر شهرستانهاست. این متغیرها ۶۹/۳ درصد از تغییرات متغیر روشهای علمی ارزیابی خسارت را تبیین می‌کند. همچنین داده‌های جدول شماره ۳ اثر متغیر مناسب بودن اندازه نیروی انسانی در فرایند بیمه‌گری را بر عملکرد بیمه نشان می‌دهد و نمایانگر این است که متغیر پیشگفته، خود تأثیر گرفته از متغیرهای تبلیغات آموزشی مناسب برای آگاهسازی کشاورزان، روشهای علمی ارزیابی خسارت، ارزشیابی و نظارت مستقیم بر فعالیتهای صندوق، یگانه نبودن سیاستها، وجود نوسان بالا در قیمت محصولات، روند افزایشی در هزینه‌های اجرایی و دریافت غرامت از صندوق بیمه با وجود مخاطره‌های اخلاقی است. این متغیرها در مجموع، ۷۶/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را بیان می‌کند. داده‌های جدول شماره ۳ نیز نشان می‌دهد، متغیر انجام بهینه وظایف از سوی واحدهای تشکیل‌دهنده صندوق که بر عملکرد بیمه اثر می‌گذارد، خود از متغیرهای روشهای علمی ارزیابی خسارت و انجام بهینه وظایف از سوی کارگزاران تأثیر می‌پذیرد. این متغیرها ۷۶/۴ درصد از تغییرات متغیر انجام بهینه وظایف از سوی واحدهای تشکیل‌دهنده صندوق را بیان می‌کند.

بیمه و
کشاورزی

سال نهم
شماره ۳۳ و ۳۴
۱۳۹۱

جدول شماره ۴: اثر متغیرهای مؤثر بر متغیرهای مستقل مؤثر بر موفقیت عملکرد بیمه

متغیر وابسته	متغیر مستقل	B	S.E.B	Beta	t	Sig
بازدید از صندوق بیمه	ضریب ثابت	-۱/۹۹۱	۰/۹۳۸		-۲/۱۲۲	۰/۰۴۲
	مروجان و مراکز ترویجی	۰/۷۵۸	۰/۱۲۳	۰/۷۳۵	۶/۱۴۳	۰/۰۰۰
	روشهای علمی ارزیابی	۰/۳۲۴	۰/۱۳۲	۰/۲۸۳	۲/۴۶۵	۰/۰۱۹
	ارزشیابی و نظارت	۰/۵۶۵	۰/۲۱۴	۰/۳۳۴	۲/۶۴۰	۰/۰۱۳
	نوسان در قیمت محصولات	۰/۴۳۸	۰/۱۶۳	۰/۳۷۹	۲/۶۸۹	۰/۰۱۱
	روند افزایشی در هزینههای اجرا	-۰/۵۷۷	۰/۲۴۴	-۰/۳۴۹	-۲/۳۶۲	۰/۰۲۵
	$F=10.328$	$sig=0.000$	$df=5$	$R^2=0.790$		
تبلیغات آموزشی	ضریب ثابت	۰/۸۶۰	۰/۷۸۰		۱/۱۰۳	۰/۲۷۹
	بالا بودن تخصص	۰/۶۵۴	۰/۱۹۵	۰/۴۴۸	۳/۳۵۷	۰/۰۰۲
	یگانه نبودن سیاستها	۰/۲۰۸	۰/۰۸۹	۰/۳۰۲	۲/۳۴۲	۰/۰۲۶
	نوسان در قیمت محصولات	-۰/۱۶۲	۰/۰۸۷	-۰/۱۲۴۵	-۱/۸۶۷	۰/۰۷۱
	تعرفههای نامناسب بیمه	۰/۲۴۴	۰/۰۸۱	۰/۴۰۳	۳/۰۱۵	۰/۰۰۵
	وابستگی بیمه به منابع مالی دولت	-۰/۲۶۷	۰/۱۰۴	-۰/۳۵۲	-۲/۵۵۶	۰/۰۱۶
	$F=6.386$	$sig=0.000$	$df=5$	$R^2=0.712$		
روش علمی ارزیابی خسارت	ضریب ثابت	۱/۵۴۶	۰/۷۴۷		۲/۰۷۰	۰/۰۴۶
	انجام بهینه وظایف	۰/۶۶۹	۰/۱۷۷	۰/۵۱۰	۳/۷۷۵	۰/۰۰۱
	مناسب بودن اندازه نیروی انسانی	-۰/۵۶۶	۰/۱۷۲	-۰/۴۴۳	-۳/۲۹۴	۰/۰۰۲
	تمرکز در استان نسبت به شهرستان		۰/۲۹۹	۰/۱۲۳ ۰/۳۱۳	۲/۴۴۰	۰/۰۲۰
	$F=10.143$	$sig=0.000$	$df=3$	$R^2=0.693$		
انجام بهینه وظایف در واحدها	ضریب ثابت	۰/۱۳۲	۰/۴۶۳		۰/۲۸۴	۰/۷۷۸
	روش علمی ارزیابی خسارت	۰/۱۸۷	۰/۱۱۰	۰/۳۰۶	۱/۶۹۵	۰/۰۹۹
	انجام بهینه وظیفه از سوی افراد	۰/۷۸۲	۰/۱۴۴	۰/۶۵۶	۵/۴۱۱	۰/۰۰۰
	$F=23.805$	$sig=0.000$	$df=2$	$R^2=0.764$		
اندازه نیروی انسانی	ضریب ثابت	۰/۶۳۴	۰/۹۱۷		۰/۶۹۲	۰/۴۹۵
	تبلیغات آموزشی	۰/۵۳۹	۰/۱۶۲	۰/۴۵۱	۳/۳۲۵	۰/۰۰۲
	روش علمی ارزیابی خسارت	-۰/۳۵۲	۰/۱۰۰	-۰/۴۵۰	-۳/۵۲۰	۰/۰۰۱
	ارزشیابی و نظارت مستقیم	۰/۶۲۴	۰/۱۹۷	۰/۵۴۰	۳/۱۵۸	۰/۰۰۴
	یگانه نبودن سیاستها	-۰/۴۱۴	۰/۱۲۲	-۰/۵۰۵	-۳/۱۳۹	۰/۰۰۴
	نوسان در قیمت محصولات	۰/۷۳۵	۰/۱۳۶	۰/۹۳۳	۵/۳۹۵	۰/۰۰۰
	روند افزایشی هزینههای اجرایی	-۰/۸۰۳	۰/۳۱۰	-۰/۷۱۱	-۳/۸۲۸	۰/۰۰۱
	دریافت غرامت با وجود مخاطره اخلاقی	۰/۴۵۱	۰/۱۳۹	۰/۵۳۱	۳/۲۳۴	۰/۰۰۳
		$F=5.950$	$sig=0.000$	$df=7$	$R^2=0.768$	

برگرفته از: یافته‌های پژوهش



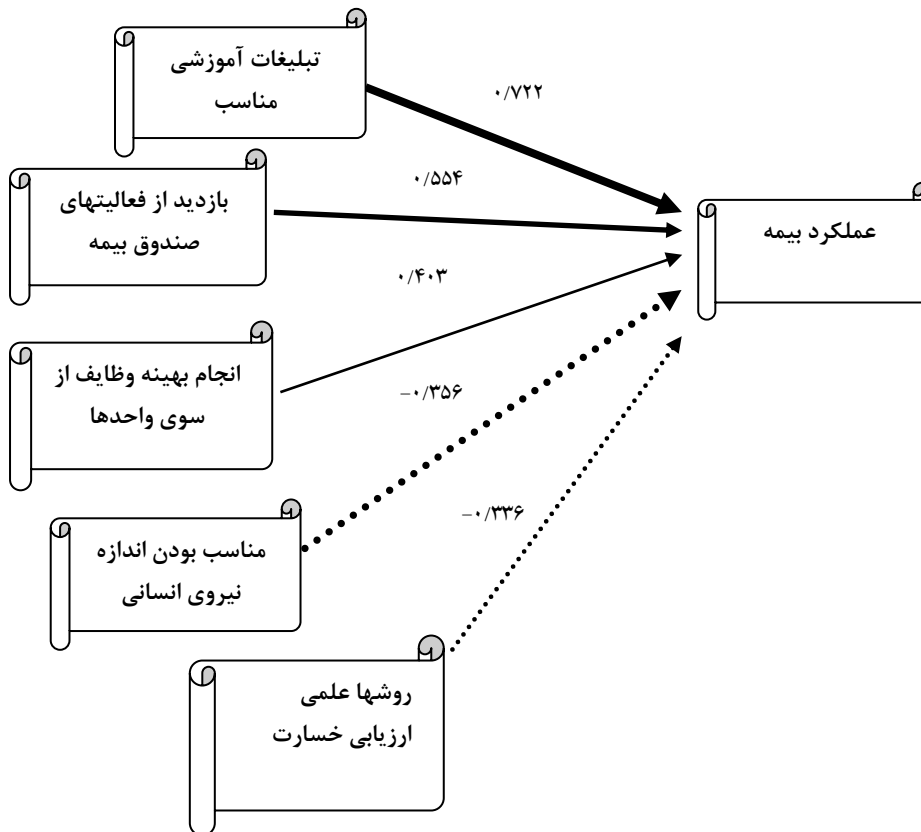
در مجموع می‌توان گفت، داده‌های جدول شماره ۴ تأیید کننده این است که هر یک از متغیرهای مستقل اثرگذار بر متغیر وابسته پژوهش (عملکرد بیمه محصولات کشاورزی) خود به صورت غیرمستقیم از دیگر متغیرها تأثیرپذیرند. چنانکه داده‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، متغیر «تبلیغات آموزشی برای آگاهسازی کشاورزان از هدفها و مزیت‌های بیمه» بیشترین اثر را بر عملکرد بیمه محصولات کشاورزی می‌گذارد. پس از آن، متغیرهای «بازدید از فعالیتهای صندوق بیمه»، «انجام بهینه وظایف از سوی واحدهای تشکیل دهنده صندوق بیمه»، «مناسب بودن اندازه نیروی انسانی در فرایند بیمه‌گری» و «روش‌های علمی ارزیابی خسارت» نیز، دارای بیشترین اثر مستقیم و غیرمستقیم بر موفقیت بیمه محصولات کشاورزی است.

جدول شماره ۵: اثرهای مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته عملکرد

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	مجموع اثرهای مستقیم و غیر مستقیم
تبلیغات آموزشی برای آگاهسازی	۰/۷۲۲		۰/۷۲۲
بازدید از فعالیتهای صندوق بیمه	۰/۵۵۴		۰/۵۵۴
مروجان و مراکز ترویجی		۰/۵۵۴×۰/۷۵۳	۰/۴۱۷
بالا بودن تخصص کارشناسان		۰/۷۲۲×۰/۴۴۸	۰/۳۲۳
تعرفه‌های نامناسب بیمه		۰/۷۲۲×۰/۴۰۳	۰/۲۹۰
انجام بهینه وظایف از سوی افراد		۰/۶۵۶×۰/۴۰۳	۰/۲۶۴
انجام بهینه وظایف در واحدها	۰/۴۰۳	-۰/۳۳۶×۰/۵۱۰	۰/۲۲۷
یگانه نبودن سیاست‌ها		۰/۷۲۲×۰/۳۰۲	۰/۲۱۸
ارزشیابی و نظارت مستقیم بر فعالیت بیمه		۰/۵۵۴×۰/۳۳۴	۰/۱۸۵
نوسان در قیمت محصولات		-۰/۲۴۵×۰/۷۲۲+۰/۵۵۴×۰/۳۷۹	۰/۰۳۳
وابستگی مالی به دولت		-۰/۳۵۲×۰/۷۲۲	-۰/۲۵۴
مناسب بودن اندازه نیروی انسانی	-۰/۳۵۶	-۰/۳۳۶×۰/۴۴۳	-۰/۲۰۹
روند افزایشی هزینه‌های اجرایی		۰/۵۵۴×-۰/۳۴۹	-۰/۱۹۳
دریافت غرامت با مخاطره اخلاقی		۰/۳۵۶×۰/۵۳۱	-۰/۱۸۹
تمرکز در استان نسبت به شهرستانها		-۰/۳۳۶×۰/۳۱۳	-۰/۱۰۵
روش علمی ارزیابی خسارت	-۰/۳۳۶	۰/۴۰۳×۰/۲۰۶+۰/۵۵۴×۰/۲۸۳	-۰/۰۹۷

برگرفته از: یافته‌های پژوهش

نمودار شماره ۱. دیاگرام مسیر متغیرهای مؤثر بر متغیر عملکرد بیمه مربوط به جدول شماره ۳



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به منظور ارزیابی عملکرد بیمه محصولات کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از میدان تحقیق، بررسی حاضر صورت پذیرفت و نتایج زیر به دست آمد:

متغیرهای سطح آگاهی کشاورزان، خطرهای طبیعی، نقش منابع انسانی- رسانه‌ای و سطح زیرکشت محصولات، از دیدگاه جامعه آماری پژوهش، اثر تعیین‌کننده‌ای بر ایجاد گرایش در کشاورزان برای بیمه کردن محصولاتشان دارند. همچنین، متغیر تبلیغات آموزشی مناسب برای آگاهسازی کشاورزان، بیشترین اثر را در معادله رگرسیونی بر متغیر وابسته پژوهش بر جای گذاشته است.

با توجه به این دستاوردها می‌توان نتیجه گرفت که از نظر جامعه آماری پژوهش، «آگاهی» و «آگاهسازی» تأثیری برجسته و بی‌مانند بر ایجاد انگیزه در بهره‌برداران برای

بیمه کردن محصولاتشان دارد. از این رو برای پذیرش بیمه از سوی کشاورزان و به دیگر سخن، تعمیم آن به کل جامعه، باید در دل سیاستهای کلی، موضوع آگاهسازی بهره‌برداران از مزایای بیمه محصولات کشاورزی مورد توجه قرار گیرد و برای جامعه بهره‌بردار کشاورز، درکی اساسی از نقش کلیدی و حیاتی آن در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری به وجود آید. از این رو در نخستین گام، لازم است همه ارزیابیهای ممکن برای آگاهی از چگونگی طی شدن این فرایند، به بررسی علمی گذاشته شود. بدیهی است، چنین فرایندی می‌تواند در سه بُعد زمانی کوتاهمدت، میانمدت و درازمدت مورد توجه قرار گیرد و از سویی نیز، نه تنها برای بالا رفتن سطح آگاهی و معرفت عمومی، آموزشها باید در دو شکل رسمی - مدرسه‌ای و ضمنی مستمر انجام پذیرد، که شاید مهمتر، آموزش از نوع غیررسمی آن است که برای مخاطبانی خاص برنامه‌ریزی می‌شود. آموزشی که بتواند پاسخگوی نیازهای افراد و در راستای توانمندسازیشان باشد و در متن زندگی و در کنار کار و حرفه اقتصادی انسانها به طور دائم به آنها عرضه شود و به بالا رفتن سطح بهره‌وری کار و بهبود کیفیت زندگی اقتصادی - اجتماعی آنها بینجامد. آموزشهایی که در مجموع با ایجاد دگرگونی در بینش و باور مخاطبان، زمینه پدید آمدن خلاقیت و افزایش کارایی انسانها را فراهم سازد. در این راستاست که تدوین برنامه‌های ترویجی و نقش مروجان و جایگاه رسانه‌های گروهی، در مجموع می‌تواند، نقشی درخور و شایسته در زمینه اطلاع‌رسانی و هدایت کشاورزان داشته باشد.

بیمه و
کشاورزی

سال نهم
شماره ۳۳ و ۳۴
۱۳۹۱

منابع

۱. احسان. ع.، ر. تهرانی و غ. ر. اسلامی بیدگلی، (۱۳۸۷)، « بررسی ضریب ریسک‌گریزی و واریانس تولید در مدیریت ریسک؛ مطالعه موردی: گوجه‌فرنگی کاران دزفول»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۶، شماره ۶۱: ۱۷-۳۵.
۲. امینی. ا. م. و م. رضائی، (۱۳۸۰)، «بیمه محصولات کشاورزی، راهکاری اجتناب‌ناپذیر برای دستیابی به هدفهای توسعه»، *مجموعه مقالات همایش بیمه کشاورزی، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری، بانک کشاورزی ایران، تهران، ۱۴۱-۱۵۷*.
۳. ایروانی. ه. م. واحدی، خ. کلانتری و ح. موحد محمدی، (۱۳۸۵)، « عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه گندم در شهرستان تفرش»، *علوم کشاورزی ایران*، جلد ۲-۳۷: ۱-۱۳۷-۱۴۴.
۴. باقری. م. ح. محمدی و ف. معززی، (۱۳۸۷)، « بررسی عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی کشاورزان از بیمه محصولات کشاورزی، با نگاهی بر عملکرد صندوق بیمه محصولات کشاورزی در شهرستان بویراحمد»، *فصلنامه بیمه و کشاورزی*، سال ۵، شماره ۱۸: ۹۹-۱۲۰.
۵. ترکمانی. ج. م. باقری، (۱۳۷۸)، « عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه محصولات کشاورزی: مطالعه موردی کشاورزان شهرستان ساری»، *علوم کشاورزی ایران*، جلد ۳۰، شماره ۲: ۲۳۲-۲۴۰.
۶. خلیل نژاد. پ. ا. زمانی‌پور، (۱۳۸۸)، « بررسی سازه‌های اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر نگرش کشاورزان پیرامون بیمه محصولات کشاورزی در استان خراسان جنوبی»، *بیمه و کشاورزی*، سال ۶، شماره ۲۱: ۷۳-۸۸.
۷. دوواس. د. (۱۳۷۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، نشر نی، تهران*.
۸. رستمی. ف. ح. شعبانعلی‌فمی، ح. موحدمحمدی و ه. ایروانی، (۱۳۸۶)، «عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه، مطالعه موردی گندمکاران شهرستان هرسین کرمانشاه»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۵، شماره ۶۰: ۱-۲۱.
۹. شاهنوشی. ن. ع. عدالتیان، ه. رفیعی، ح. خاکسارآستانه و م. ر. فرزانه، (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی بیمه‌گذاران از عملکرد بیمه کشاورزی در استان خراسان رضوی»، *بیمه و کشاورزی*، سال هفتم، ۲۳: ۲۴-۴۳-۶۷.
۱۰. فروهیده. م. م. ح. طرازکار، (۱۳۸۶)، « بررسی عملکرد بیمه محصولات کشاورزی در ایران: با تأکید بر بیمه آبریزان پرورشی»، *ششمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، ۱-۱۶*.
۱۱. فرجی. ا. م. میردامادی، (۱۳۸۵)، « بررسی نقش ترویج در پذیرش بیمه سیب توسط باغداران شهرستان داموند»، *علوم کشاورزی ایران*، سال ۱۲، شماره ۳: ۳۸۹-۴۹۸.
۱۲. ملایی. ف. ا. زمانی‌پور، (۱۳۸۷)، « عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه محصول زعفران در استان خراسان جنوبی»، *بیمه و کشاورزی*، سال ۵، شماره ۱۸: ۷۷-۹۷.
۱۳. محمدی. ی. ح. رفیعی و ه. ایروانی، «بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه محصولات منتخب زراعی در شهرستان زرین‌دشت استان فارس»، *مجله پژوهش و سازندگی در علوم باغبانی*، ۸۱: ۱۲۰-۱۲۹.
۱۴. مختاری. ف. س. م. خواجه‌باشی، م. شیشه فروش و م. نظری، «ارزیابی مدیریت ریسک و اهمیت ضرورت توجه به بیمه محصولات کشاورزی»، *نخستین کنفرانس بین‌المللی مدیریت ریسک، تهران، ۱-۱۴*.
۱۵. نیکویی. ع. ر. و ج. ترکمانی، (۱۳۸۱)، «تأثیر بیمه بر ریسک‌گرایی کشاورزان در استان فارس: مقایسه اجباری- گروهی با فردی - اختیاری»، *علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی*، جلد ۶، شماره ۲: ۱-۱۵.

16. Garrido, A., D. Zilberman.(2004)”.Revisting the Demand of Agriculture Insurance the Case of Spain.”. *Agricultural Finance Review*. 66: 43-66.

17. Goodvin, B.K., M . L .Goodwin and J. Deal. (2004)”. An Empirical Analysis of Acreage Effects of Participation in the Federal Crop Insurance. *American Journal of agriculture economic*. Vol.86, No4: 56-1077.



18. Goodwin, B. K. (1996) "An Empirical Analysis of the Demand for Multiple Peril Crop Insurance". *American Journal agriculture economic*. Vol,75,No.2: 425-434.
19. Ginder, m., A. D. Spaulding., K. W. Tudor and J. R. winter.(2009) "Factor Affecting Crop Insurance Purchase Decisions by Farmers in Northern" Illinois. *Journal of agriculture finance*. (69): 113-125.
20. Hazell, P. B. R. (1992). "The Appropriate Role of Agricultural Insurance in Developing Countries". Agriculture and Rural Development Department, *the word bank. Journal of international development*. Vol.4.,No. 6: 567-581.
21. Mishra, A. K., R. W. Nimon and H. S. EL. Osta.(2005). "Is Moral Hazard Good for the Environment? Revenue Insurance and Chemical Input Use". *Journal of environment Management*. (74): 11-20.
22. Mishra, P. K. (1999). "Planning for the Development and Operation of Agricultural Insurance Schemes in Asia".
23. Meuwissen, M. P., M. R. B. Huirne and J. B. Hardaker. (2001). "Sharing Risk in Agricultural, Principles and Empirical Result". *Netherland Journal of Agricultural science*.(49): 343- 356.
24. Smith, V and A. E. Boqute.(1996). "The Demand for Multiple Peril Crop Insurance, Evidence from Montana Wheat Farmers". *American Journal of Agriculture Economic*.(78): 189-509.
25. Williams, J. R., G. L. Corriker, G. A. Barnaby and G. K .Harper. (1993). "Crop Insurance and Disaster Assistance Designs for Wheat and Grain Sorghum". *American Journal of Agriculture Economic*. (75): 435-447.

An Evaluation of the Performance and Factors Affecting the Insurance of Agricultural Products in Hamedan Province from the Experts' Point of View

S. Sajadi*, Dr. A. M. Amini** & Dr. A. Yousefi**

Abstract

Crops insurance is one of the new strategies for coping with risks in agricultural activities and to reduce the farmers' income fluctuations. The aim of this study is to evaluate the insurance experts' attitude regarding to the factors affecting the performance of crop insurance in Hamedan province. The population size of the study is 37 agricultural insurance experts in Hamedan province. The content validity and the reliability of the questionnaire was tested respectively by the survey of a group of experts and the Cronbach's alpha coefficient (0.789). The results show that the most important factors affecting the index of the farmers' incentives in accepting crop insurance are the "farmers' knowledge level", "natural hazards", the role of human resources and media" and "cultivated area". Furthermore, the variable of "educational campaign for informing farmers" has the most effect on the dependent variable in the regression model.

Keywords:

Crop Insurance, Performance Assessment, Hamedan province

* MSc Student of Rural Development, Isfahan University of Technology, Isfahan.

** Academic Members of Rural Development Department, Isfahan University of Technology, Isfahan.

فصلنامه
پژوهشی

